**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر واحد**

**بحث انسداد**

**تنبیهات انسداد**

**تنبیه دوم**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه صد و بیست و دوم\_9 تیر 1399**

در جلسۀ گذشته ما بین دو راه مردد شدیم که هر کدام از آن دو راه به جهتی مسدود بود، آن دو راه برای چه بود؟ برای ترجیح ظن مظنون الاعتبار بر ظن غیر مظنون الاعتبار بنا بر انسداد بود. دو راهی که هر کدامش را انتخاب می کردیم به مشکلی بر می خوردیم یکی این بود که بگوییم اطلاق جواز عمل به ظنون فی صورت الانسداد که یک قضیه مهملة هست، این قضیۀ مهمله منصرف است به آن ظنی که مظنون الاعتبار است. دوم بگوییم اطاعت از ظن مظنون الاعتبار اتَم هست. توضیح دادیم.

حال مرحوم فاضل نراقی مبناءً منکر حجیت مطلق ظنون است، مثل میرزای قمی انسدادی نیست که بگوید مطلق ظنون حجت است ولی برای اینکه بگوید نمی شود مطلق ظنون حجت باشد، یک نقض، یک اشکال بیان می کند، این اشکال حضرت فاضل نراقی صاحب عوائد الایام مبتنی است بر آن راه حل اول که گفتیم دو راه حل داریم و هر دو مسدود است. راه حل اول این بود که ما در بین 5 مظنه که مردد می شویم و حالا باید به ظنون عمل کنیم. این قضیه منصرف است به ما قام علیه من الظنون علی اعتباره.

خب ما اشکال کردیم اما فاضل نراقی می گوید اگر کسی بخواهد به حجیت مطلق ظنون فتوا بدهد او باید در مقام ترجیح هم به ظنی عمل کند که آن ظن مظنون الاعتبار باشد و این شدنی نیست پس مبنا خراب است که بگویی ممطلق ظنون حجت است.

خواسته است از عدم جواز ترجیح مظنون الاعتبار بر غیر مظنون الاعتبار استفاده کند عدم حجیت مطلق ظنون را به این عبارت می گوید چه طور حضرات انسدادی می گویند حال که باید به تکالیف عمل کنیم و حال که تکالیف معلوم ینست، پس باید در تعیین تکلیف به مظنونات روی بر گردانیم. چه طور شما انسدادی ها می گویید راه حلی به جز عمل به ظنون نداریم. خب ما ادامه می دهیم فرمایش شما را می گوییم حال که عمل به ظنون لازم شد، اگر امر دائر شد بین این ظن و ظن دیگر، یک ظنی می گفت هذا واجبٌ، یک ظنی می گفت هذا غیر واجب یا هذا حرام. چطور می خواهید یکی از این ها را بر دیگری مقدم کنید؟

خب اگر آقای انسدادی که می گویی عمل به ظنون جایز است. در ترجیح یکی از این دو هم بیا به ظن عمل کن. چرا این جا عمل نمی کنی؟ این نشان می دهد که حجیت مطلق ظنون را عمل نداری. بیا به این مظنه عمل کن، ظن الف را برگزین، چهار ظن دیگری را کنار بگذار. چرا این کار را نمی کنی؟ و هل هذا الا اینکه خودت هم نمی پذیری عمل به ظن مطلق جایز باشد؟ یا بگو عمل به ظن مطلق مطلقا جایز نیست، حرف من را بزن یا اگر عمل به ظنون را جایز می کنی، در مقام ترجیح هم این را بپذیر و آن چهار تا را دیگر بگذار کنار و به این عمل کن، آن ها را نفی کن، آنها را بگذار کنار. درست است ما با وجوب عمل به ظن الف، نفی حجیت از آن چهار ظن نمی کنید اما دلیل بر حجیتش هم دیگر نداریم، نفی نمی کنیم حجیتش را اما دلیل بر حجیتش هم دیگر نداریم چون با عمل به ظن الف باب استنباط برای شما گشوده شد، شک هم که بکنید، اصل عدم حجیت است، قاطعا نفی حجیت نمی کنم، به جهت اینکه به ظن الف عمل می کنیم پس ظن باء حجت نیست. نه می گویم چون به ظن الف عمل می کنم و ظن الف راه استنباط را برای من باز کرد و مشکل من را حل کرد دیگر نوبت به ظن باء و جیم و دال نمی رسد، اصل عدم حجیت است، اگر بنا است ظن در صورتی که شما می گویید حجت است، حجت باشد، در مقام ترجیح هم باید حجت باشد، و ظن الف جا برای 4 ظن دیگر باقی نگذارد، یا نباید حجت باشد، کلا ظنون حجت نباشد.

شیخ انصاری فرمایش فاضل نراقی را نمی پسندد ان شاء الله در جلسه آینده.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد صلی الله علیه و آله و سلم.